

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

مؤلف: جولیتو کیزا*
برگردان: ا.م. شیری
۱۷ می ۲۰۲۵

سنگربندی دو جهان

(۲)

طرح مورگنتاو



هنری مورگنتاو

در اینجا لازم به تأکید است، که امریکائی‌ها در این مرحله برای مجازات آلمان به مثابه یک کشور و مردم آلمان به طور کلی پافشاری می‌کردند. جامعه عمومی اروپا در باره مسائلی مانند طرح مورگنتاو که به نام طراح و مدافع طرح نامیده شد، آگاهی بسیار ناچیزی دارند. هنری مورگنتاو (کوچک)، یهودی‌تبار، وزیر دارائی ایالات متحده آمریکا بود و در این مقام، سرپرستی هیأت نمایندگی آمریکا در کنفرانس کبک را در ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۴ به عهده داشت که در واقع تدارکی بود برای شرکت آمریکا در کنفرانس یالتا. در این واقعه، مورگنتاو موفق شد رئیس جمهور روزولت را برای تصویب طرح «نابودسازی صنایع نظامی در روهر و سار و تبدیل آلمان به یک کشور کشاورزی و دامداری» متقاعد سازد. همچنین در این رویداد تفاوت مواضع روزولت-مورگنتاو از یک سو و وینستون چرچیل از سوی دیگر آشکار شد. چرچیل بر موضع خود دایر بر لزوم کاهش شدت تحریم‌ها علیه آلمان اصرار می‌ورزید، اما بدون موفقیت. به هر حال، یکسری تغییرات داده شد، اما فقط به طور خصوصی. روزولت قصد داشت پیشنهادی منطبق با انتظار اتحاد شوروی را به کنفرانس یالتا ارائه دهد.

او در کنفرانس پالتا هم این خط را پی گرفت. ولیکن، مرگ روزولت، همانطور که گفته شد، موجب تغییر توازن قوا و تأثیر در کل غرب گردید. همه این را درک می‌کردند که تعیین سرنوشت المان جدا از سرنوشت کل اروپا، مستقل از روابط آینده اروپا با ایالات متحده آمریکا و روابط بین اروپای آینده با اتحاد شوروی ممکن نبود. اما تا کنفرانس پوتسدام (برلین، ۱۷ جون ۱۹۴۵) منظره شرایطی که به واسطه سه قدرت پیروزمند پس از جنگ ایجاد شده بود، بلا تغییر باقی ماند. در روند کنفرانس سه قدرت پیروزمند در ارتباط با هدف مشترک مبنی بر جلوگیری از احتمال احیای المان به توافق کلی دست یافتند. هدفی که بشدت بر آن پافشاری می‌کردند، عبارت بود از حفظ باقی‌مانده آن پس از ویرانی‌های جنگ تحت نظارت اکید سه جانبه (فرانسه پس از این به مذاکرات پیروزمندان ملحق شد). المان رایش سوم بسرعت تجزیه شد. همه سرزمین‌های الحاقی به المان، به ویژه بعد از سال ۱۹۳۷، قبل از همه، اراضی سودت ملغا گردید. مرز شرقی در سمت غرب تا خط رودهای اودر و نایس به عقب کشیده شد. پروس غربی، سیلیزی، بخشی از پروس شرقی و دو سوم پامرانیا و برخی مناطق براندنبورگ را به پولند منضم نمودند. اتحاد شوروی بخش قابل ملاحظه‌ای از پروس شرقی، شهر کونیگسبرگ (شهر کالینینگراد) و استان آن را به خود الحاق نمود. فرانسه تقریباً همه معادن زغال و تمامی مناطق صنعتی- معدنی حوزه روهر را به تصرف خود درآورد. تصمیم گرفته شد تمامی شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک که در آستانه جنگ المانیزه شده بودند، از جمعیت المانی پاکسازی شوند. در طول چند سال در حدود هفده میلیون نفر المانی- مرکب از زنان، پیران، کودکان و مردان زنده‌مانده- از دارائی خود محروم گردید، از آن اماکن و اراضی که اسکان یافته بودند، بیرون رانده شد و به زور به سرزمین‌های باقی‌مانده از المان تجزیه‌شده منتقل شدند. و این تصمیم فقط روی کاغذ باقی نماند. موج عظیم کوچاندن از مناطق عملاً ویران‌شده در اثر جنگ به راه افتاد. انسان‌های محروم‌شده از ملزومات زندگی و خدمات پزشکی را به طرز خصمانه همچون جمعیت قبلاً ستم‌دیده، به واسطه وسایط حمل و نقل اتفاقی کوچانیدند، و این، باعث مرگ شمار عظیمی از مردم گردید. طوری که تعیین تعداد دقیق آن غیرممکن بود، ولی، البته، تعداد آن‌ها سر به میلیون‌ها نفر می‌زد...

طرح مورگنتاو بلا درنگ پس از شکست نازیسم به مرحله اجراء در آمد. برای انجام این کار حتی منتظر توافق به دست آمده در دیدار تعیین‌کننده که با عنوان کنفرانس پوتسدام (برلین، ۱۷ جولای- ۲ اگست ۱۹۴۵) در تاریخ ثبت شد، نماندند. تاریخ آغاز اجرای این طرح را می‌توان ۱۰ ماه می سال ۱۹۴۵ دانست. طرح تحت عنوان «دستورالعمل اشغال» از سوی هری ترومن امضاء شد و با حروف اختصاری «JCS ۱۰۶۷» (Joint Chiefs of Staff) نامیده شد. به سخن دیگر، آن ابتکار یکجانبه دولت آمریکا بود و فقط مناطق اشغالی غربی را شامل می‌شد، که در واقع، ثمره عزم راسخ هنری مورگنتاو کوچک برای مجازات شدید المان و المانی‌ها بدون هرگونه مصالحه بود. او در یادداشت‌های روزانه خود یادآور می‌شود، که در سال ۱۹۴۴ به روزولت پیشنهاد کرد، ۵۰ یا ۱۰۰ سرکرده نازی را که به اسارت گرفته می‌شوند، بدون دادگاه و بدون بازجویی در جا تیرباران کند. پیشنهاد پذیرفته نشد. و خواست او با مقاومت جدی دولت آمریکا و فرماندهی نظامی به این دلیل مواجه شد، که اگر خبر تصمیم آمریکا به بیرون درز کند، مقاومت نومیدانه المان‌ها در هفته‌های پایانی جنگ شدت بیشتر خواهد گرفت. در فرماندهی عالی آمریکا گفته می‌شد، که اجرای طرح مورگنتاو به منزله نبرد با ده‌ها لشکر المان است. طرح مورگنتاو (یا بخشی از آن) باعث تحریک جوزف گوبلز، وزیر تبلیغات رایش سوم گردید و او توانست با استفاده از آن خشم آخرین رزمندگان را برانگیزد. گوبلز نوشت: «اجازه ندهید از المان فقط یک دشت سیب‌زمینی باقی بگذارند».

در واقعیت امر، در داخل ائتلاف غربی ایده‌ای کاملاً متفاوت از ایده هنری مورگنتاو در خصوص چگونگی برخورد به المان مغلوب شکل گرفت. تا روزهای کنفرانس پوتسدام در واشنگتن، لندن و پاریس (در وهله اول در لندن) فکری قوت

گرفت، که از آلمان می‌توان به مثابه یک متحد ضروری علیه اتحاد شوروی بهره جست. یعنی، نباید آلمان و مردم محروم‌شده آن را به خاکستر تبدیل کرد، بلکه، به عکس، باید از زندگی در آن حمایت نمود و کاری کرد که آلمان بتواند برای احیای اروپا قادر باشد تا اروپا به دژ اصلی در مقابل سلطه واقعی یا خیالی- اتحاد شوروی بدل شود. متناقض است، اما دستورالعمل «JCS ۱۰۶۷» زمانی توسط ترومن امضاء شد (روزولت ۱۲ اپریل همان سال فوت کرد)، که مورگنتاو در عمل شکست سیاسی خورده بود. به این ترتیب، هنگامی که هیأت نمایندگی آمریکا به کنفرانس پوتسدام اعزام می‌شد، او را بی‌سر و صدا از ترکیب هیأت مذاکره‌کننده حذف کردند. او در مقام وزیر دارائی به ترومن مراجعه و با استعفای خود تهدید کرد، و نتیجه آن شد، که ترومن بیدرنگ استعفای او را پذیرفت. بگذریم از این که مورگنتاو خود را شکست‌خورده ندانست. یک گروه بزرگ از مقامات نظامی تحت کنترل وزارت دارائی به اجرای دستورالعمل «JCS ۱۰۶۷» ادامه داد و در اجرای نکته به نکته آن پافشاری نمود. این قاعده، که «هیچ اقدام منتهی به تبرئه آلمان قابل قبول نیست»، دو سال تا الغای آن رعایت شد. اما لازم به ذکر است، که مورگنتاو خیلی هم به تنهایی عمل نکرد. در سال ۱۹۴۵ او کتابی تحت عنوان «**آلمان، مشکل ما**» منتشر کرد و در آن جزئیات طرح خود را تشریح نمود. او این کار را با کسب اجازه شخصی از روزولت در عصر روز ۱۱ اپریل، در آستانه مرگ او، هنگامی که آن‌ها با وارم اسپرینگز شام می‌خوردند، انجام داد. تفاهمنامه امضا شده بین روزولت و چرچیل در **کنفرانس دوم کیب** در سال ۱۹۴۴ (در باره تبدیل آلمان به مزرعه سیب‌زمینی) تنها مسأله‌ای بود که باعث شد روزولت آن روز عصر اجازه انتشار آن را ندهد.

همه تیم **پسران مورگنتاو** پس از آن که دستورالعمل «JCS ۱۷۷۹» در جولای سال ۱۹۴۷ جایگزین «JCS ۱۰۶۷» گردید، استعفاء دادند. عبارت «**اروپای امن و شکوفا به کمک اقتصادی آلمان با ثبات و مولد نیاز دارد**»، به شعار سیاست جدید بدل شد. تغییر کامل خط سیاسی با پاسخ سخت ستالین مواجه گردید. در واقع، اتحاد ضد نازی در این لحظه به موجودیت خود پایان داد. شروع شد آنچه که بعدها جنگ سرد نامیدند.

ادامه دارد